

مصاحبه

بخش فارسی رادیو بی بی سی

با رفیق عبدالرحمن قاسملو

دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران

- دکتر جعفر شفیعی عضو کمیته مرکزی کومه‌لسه
- محسن صالحی نماینده ماموستا شیخ عزالدین حسینی

نارشیوی برایم قه‌زاق

حزب دمکرات کردستان ایران تشکیلات اروپا

اسفندماه ۱۳۶۰

مصاحبه بخش فارسی رادیو بی بی سی با رفیق عبدالرحمن قاسملو ، آقایان جعفر شفیعی عضو کمیته مرکزی کومه‌له و نماینده شیخ عزالدین حسینی .

توضیح : بخش فارسی رادیو بی بی سی در برنامه پژوهش آزاد خود، جمعه شب 19 فوریه 82 (30 بهمن 1360) مصاحبه‌ای را با رفیق عبدالرحمن قاسملو، آقایان دکتر جعفر شفیعی و محسن صالحی پخش نمود. این مصاحبه از سوی مخبر بی بی سی جداگانه انجام گرفته بود و آنگونه که از رادیو پخش گردیده است از روی نوار پیاده شده است .

شنوندگان گرامی اکنون از شما دعوت میکنیم به برنامه پژوهش آزاد توجه فرمائید که در آن فرستاده ما با چند تن از سران نهضت های مقاومت در کردستان مصاحبه کرده است :

سلام شنونده عزیز ! هفته پیش در این برنامه بحثی داشتیم درباره دست آوردهای انقلاب از نظرگاه موافقان و مخالفان. این هفته یکی از مسائل مبتلا به مقامات ایران چه قبل و چه پس از انقلاب رابه بررسی میگیریم یعنی مسئله ی کردستان را . سازمان های سیاسی کردستان بویژه پس از انقلاب پیوسته خواستار خودمختاری بوده اند ولی برداشت کردها و دولت ایران از خودمختاری متفاوت است مضافا براینکه تعیین حدود کردستان خودمختار و اختلاف عقیدتی شدید رهبران سازمانهای کرد با مقامات حکومت اسلامی و نیز همبستگی مخالفان دولت با اکراد به این مسئله ابعاد گسترده تری داده است تا جائیکه اینک شعار حزب دمکرات کردستان دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان است و شعار سازمان کومه سوسیالیزم برای ایران و خودمختاری برای کردستان. با این حال خود گروههای گوناگون کرد نیز باهم اختلافات موضعی و مرامی دارند و این نیز مایه ضعف آنها در برابر دولت مرکزی در ایران شده است، در هر حال در پژوهش آزاد امشب در گفتگوئی با دکتر عبدالرحمن قاسملو رهبر حزب دمکرات کردستان و دکتر جعفر شفیعی عضو کمیته مرکزی سازمان کومه درباره اختلافات آنها و نظراتشان در مورد خودمختاری کردستان سئوال میکنیم و بعد از نماینده شیخ عزالدین حسینی در باره وضع مناطقی که بگفته او در تصرف دولت ایران نیست می پرسیم و اما اولین سئوال ما از دکتر عبدالرحمن قاسملو است :

از او میپرسیم که اختلافات حزب شما با سازمان کومه چیست ؟

*** ببینید ما بعنوان حزب دمکرات کردستان ایران سیاست بسیار صریحی داریم. مبارزه ما در چهار ماده خلاصه میشه . مبارزه علیه امپریالیسم، مبارزه برای دمکراسی، مبارزه برای حقوق زحمتکشان و مبارزه برای خودمختاری. تا اونجائیکه کومه یا هر سازمان دیگری در چهارچوب این مبارزه با ما همکاری بکنه ما با هاش همکاری میکنیم ولی ما کومه را یک سازمان غیر مسئولی میدانیم که به تعهداتش عمل نمیکنه و اختلاف ما بیشتر از این جهت هست و بعد از این جهت که کومه واقعیات کردستان را آنچنان که هست در نظر نمیگیره و به این ترتیب اختلاف

اساسی ما با کومله اینست که کومله همچنانکه در کنگره‌ی دوم خودش نشان داده سیاست واضح و روشنی در کردستان نداده . يك روز میخواهد سازمانی کردستانی باشه، يك روز میخواد(میخواهد)تبدیل به سازمان سرتاسری ایران بشه و جزو حزب طبقه کارگر در بیاد و بالاخره سازمانی است غیر مسئول و سرگردان اگر کومله از این سرگردانی دربیاد و واقعیترا آنچنانکه هست بپذیره من فکر میکنم که امکان همکاری بین حزب دمکرات کردستان و کومله بوجود خواهد اومد.

از دکتر شفیع‌ی درباره‌ی اختلاف حزب دمکرات کردستان و کومله می پرسیم ؟
** اختلاف ما با حزب دمکرات عمدتاً بر دو محور بوده ، یکیش اینکه در رابطه با رژیم

جمهوری اسلامی و عوامل وابسته به اونها از قبیل حزب توده و قیاده‌ی موقت اونا تا پیگری نشون دادند و در ایجاد توهم در بین بخشی از مردم کردستان نسبت به رژیم تا حدودی نقش ایفا کرده‌اند ، نقش داشتند . اون ضربه‌های قاطع و شکننده روکه ما

میخواستیم به رژیم جمهوری اسلامی بزیم و میزدیم و اونارو به این امر فرا میخواندیم ایشون به این شیوه قبول نمیکردند ، نکته دوم و یا محور دوم مسئله‌ی دمکراسی بوده : از نظر ما حزب دمکرات به مهمترین مسئله مبارزه فعلی چه در

کردستان و چه در ایران که عبارت از دمکراسی باشه احترام نداشته ، از قبیل جلوگیری از پخش نشریات سازمانهایی که نظراتشون مخالف حزب دمکرات بوده ، حتی گاه متوسل بزور برای جلوگیری از این کار.

از دکتر قاسملو میپرسیم که کومله شمارا متهم میکند باینکه از ابتدای برقراری رژیم جمهوری اسلامی آنچنانکه باید مبارزه نکرده‌اید . پاسخ شما چیست ؟

*** ما حزب بسیار مسئولی هستیم ما میدانیم جنگ یعنی چه ، ما همه کوشش خود را بکار میگیریم برای اینکه از جنگ در کردستان جلوگیری نکنیم و تا حدی هم موفق شدیم ولی برای مردم کردستان هم ضرورت داشت که بفهمند رژیم خمینی واقعا چه ماهیتی دارد .

از دکتر قاسملو باز میپرسیم شما حاضرید برای رسیدن به يك نوع اتحاد در کردستان نظرات کومله را هر چند عقیده دارید 5% بیشتر طرفدار ندارد بپذیرید و بهمین اندازه‌ی 5% که میگوئید به کومله امتیاز بدهید ؟

*** آنچنانکه میدانید شعار اساسی ما دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان است . ما به دمکراسی ایمان عمیق داریم ، نه تنها 5% ، کومله اگر روزی 1% مردم کردستانم پشتیبانش باشند ما حاضریم باش همکاری کنیم و در چارچوب معینی که از طرف هر دو سازمان بوجود بیاد بطور بسیار متعهد به حل مسائل پردازیم .

از دکتر جعفر شفیع‌ی می پرسیم که نقطه نظرهای مشترك کومله با حزب دمکرات چیست ؟

** البته اینو بگم ما اگرچه اختلاف سیاسی داریم ، ما بارها پیشنهاد کردیم که اختلافات سیاسی که داریم سعی نکنیم بشیوه‌ی سیاسی حل بشه ، به اونا پیشنهاد همکاری کردیم ، اتحاد عمل های نظامی و سیاسی کردیم چیزی که میخایم به خودمختاری وسیع و دمکراتیکه، وسیع به این مفهوم که خلق کرد

بیشترین اختیارات محلی رو داشته باشه در اداره خودش و همچنین کردستان بشیوهی دمکراتیک و به دست خود مردم اداره بشه .

سئوال بعدی ما در مورد خودمختاری است . ابتدا از دکتر قاسملو می پرسیم که بعضی ها عقیده دارند که خودمختاری خواستن پله اول تجزیه طلبی است. در مقابل این اتهام چطور از خود دفاع میکنید ؟

*** من فکر میکنم که کاملا فکرشون باطل است برای اینکه همچنانکه در شعار ماهم، ملاحظه میفرمائید ما قبلا دمکراسی برای ایران را گذاشتیم سپس خودمختاری برای کردستان را. ما مبارزمون رو در چارچوب تمامیت ارضی ایران به پیش میبریم و تمام خواسته‌های ما در چارچوب تمامیت ارضی ایران قابل تحقق است . هیچ دلیلی و هیچ نظری از طرف حزب ما تاکنون پیش نیامده که نشان بده ما کوچکترین توجهی به تجزیه طلبی داریم و ما فکر میکنیم که این اتهامات برای این است که نگذارند مبارزه ما تبدیل به جزئی از مبارزه سراسر ایران بشود. والا ما بعنوان حزب دمکرات کردستان ایران نه تنها در کردستان بلکه در سراسر ایران تجزیه طلبی را محکوم میکنیم .

در رابطه با قضیه خودمختاری از دکتر جعفر شفیعی می پرسیم که گفته میشود خواستن خودمختاری برای کردستان از طرف کومله تنها بهانه‌ای است که کومله میخواهد از آن راه مارکسیسم را پیاده کند . آیا این گفته حقیقت دارد؟

** خودمختاری بهانه نیست يك واقعیت عینی که با زندگی توده‌های مردم ارتباط لاینفک داره، که خواست عمومی مردم این از يك طرف، خواستی است دمکراتیک . چیزی که ما بعنوان برنامه حداکثر میخایم ، برنامه حداکثر میخایم نظام سوسیالیسمه و اونهم نه در کردستان در سراسر ایران .

می پرسیم پس شما اتهام آن کسانی را که میگویند در زیر این خودمختاری خواستن تجزیه طلبی را میخواهید اعمال کنید رد میکنید؟

** ما نمیخواهیم کردستان جدا بشه از ایران . چیزی که مامبلغ آن بوده و روی آن تبلیغات فراوان کرده‌ایم عبارت از این بوده که ما وحدت خلق کرد و با طبقه کارگر ایران ، با زحمتکشان ایران حفظ بکنیم و در صفوف جنبش مقاومت کومله ، پرچم کومله یگانه پرچم انقلابی بوده که مبلغ این وحدت بوده و در این راه تلاش فراوانی نموده .

حزب دمکرات کردستان ایران به شورای ملی مقاومت پیوسته. از دکتر جعفر شفیعی می پرسیم چرا کومله به شورای ملی مقاومت نه پیوست و انتقاد کومله از شورای ملی مقاومت چیست ؟

** ما از سه نقطه نظریه شورای مقاومت انتقاد داریم . یکیش از نظر برنامه. برنامه شورای مقاومت برنامه انقلاب اجتماعی ایران نیست، برنامه‌ای است که اصلاحات اجتماعی را در چند زمینه وعده میدهد بدون اینکه حتی برای این وعده‌ها هیچگونه پشتوانه اجرایی وجود داشته باشه. از این وعده‌ها را قبلا هم زمانی که خمینی در پاریس بود خیلی می شنیدیم و بعد از نظر تاکتیک هم ما مخالفیم با شورا. تاکتیک ترور گسترده حتی در گسترده ترین شکلش نمیتونه توده‌ها را به عمل مستقیم بکشونه، تنها کاری که میتونه بکنه اینه که موجب تغییر رژیم از بالا بشه در حالیکه ما

معتقدیم توده‌های مردم، طبقه کارگرو زحمتکشان ایران باید بطور مستقیم وارد میدان بشند، خودشون مسلح بشند، بدست خود رژیمو سرنگون بکنند و بعد از نظر ترکیب برنامه: ما باز به شورای مقاومت انتقاد داریم. در شورای مقاومت شخصی چون بنی صدر وجود دارد که در مسئولیتهائی که در رژیم جمهوری اسلامی داشته خود در تحکیم این رژیم سهیم بوده، در سرکوب خلق کرد سهیم بوده، در یکی از حساسترین لحظات جنبش مقاومت و در یکی از دوران هائی که رژیم جمهوری اسلامی وحشیانه‌ترین یورش خود را به کردستان شروع کرده بود یعنی بهار 59، همین بنی صدر فرماندهی کل قوا را بر عهده داشت.

از دکتر قاسملو درباره پیوستن حزب دمکرات کردستان به شورای ملی مقاومت سؤال میکنیم و میگوئیم با بودن بنی صدر در شورای ملی مقاومت و انتقاد از او که در زمانیکه فرماندهی کل قوا را بر عهده داشت مردم کردستان سرکوب شدند، چرا به شورا پیوستید و چگونه این دو موضوع را باهم سازش میدهید؟
*** فکر کنم این اولین بار نباشه در تاریخ سیاست که مخالفان سابق هم پیمانان فعلی باشند. تا اونجائیکه مربوط بماست ما از آقای بنی صدر قبل از اینکه از ریاست جمهوری ایشان را بر کنار بکنند پشتیبانی کردیم در مقابل ارتجاع، در مقابل کارهائی که ارتجاع برای محدود کردن آزادی در ایران انجام میداد و این را ما در آغاز تابستان سال 1359 اعلام کردیم و اما الان اگر آقای بنی صدر برنامه دمکراتیک شورای ملی مقاومت را بپذیرند اگر با اصل خودمختاری موافقت کامل داشته باشند و در این چهارچوب حاضر باشند با ما برای سرنگونی رژیم خمینی مبارزه بکنند ما ایرادی نمی بینیم و حاضریم که در کنار ایشان و در چهارچوب شورای ملی مقاومت مبارزه را ادامه بدهیم.

باز میپرسیم آیا فکر نمیکنید که هر دولت مرکزی در ایران سر کار بیاید بهرحال در مقابل خودمختاری کردستان مقاومت نشان خواهد داد؟ و کسانی که در شورای ملی مقاومت هستند چه تضمینی در این زمینه میتوانند بدهند؟
*** وقتی ما وارد شورای ملی مقاومت شدیم آقای مسعود رجوی بعنوان مسئول شورای ملی مقاومت نامه‌ای برای من نوشت و در آنجا از اصل مقدس خودمختاری حرف زد. به این ترتیب ما اساس صحیحی رو الان گذاشتیم برای اینکه در آینده اشکالاتی از این نظر پیش نیاید.

از دکتر شفیعی در باره وضع کردستان سؤال میکنیم؟
** اوضاع کردستان الان به این ترتیبه که جنبش مقاومت داره اوج نوینی میگیره چه در زمینه سیاسی و چه در زمینه نظامی، در شهرهای سنندج، سقز، مهاباد، اشنویه و دیگر شهرهای کردستان مبارزات توده‌ای وسیع مخصوصا مبارزات دانش آموزان هر روز اوج تازه‌ای میگیره. رژیم جمهوری اسلامی با عمده جلوه دادن جنگ ایران و عراق میخاد اوضاع کردستانو از مردم ایران و از مردم جهان بیوشاند و لیکن اون چیزیکه الان در کردستان در جریان نبردهای وسیعی است که پیشمرگان و مخصوصا پیشمرگان کومله علیه رژیم انجام میدن. اینوهم اضافه کنم که جنبش مقاومت از چنان توانی برخورداره و چنان از پشتیبانی توده‌های خلق کرد برخوردار است که در رابطه با رژیم آینده چنانکه خلق کرد به حقوق ملی خودش که خودمختاری وسیع دمکراتیک است

نتونه برسه رژیم آینده هم نخواهد توانست در تهران راحت بخوابد .

از دکتور قاسملو در باره وضع کردستان سئوال میکنیم ؟
*** ببینید ما در ایران حالا بیش از نصف خاک کردستان را کاملا در اختیار داریم که در حدود 60.000 کیلومتر مربع است . این شصت هزار کیلومتر مربع را نزدیک 12.000 هزار پیشمرگه حزب دمکرات کردستان اداره میکنند ما در اونجا تصمیم گرفته ایم که اساس اداره خودمختاری را کم کم و بتدریج پیاده بکنیم و بهمین جهت از آغاز بهار آینده به تشکیل شوراهای در تمام کردستان خواهیم پرداخت و هم اکنون آموزش و پرورش در کردستان ایران را خود ما اداره میکنیم و حقوق معلمان را هم حتی مردم ما می پردازیم ولی از نظر اقتصادی ما هنوز هم در محاصره اقتصادی کامل دولت خمینی هستیم ولی خوشبختانه از نظر تولید بویژه پارسال وضع کشاورزی کردستان بسیار خوب بود و در واقع يك نوع خود کفائی در کردستان از این نظر بوجود آمده.

از محسن صالحی نماینده شیخ عزالدین حسینی در باره وضع مردم کردستان می پرسیم ؟

بیش از دو ساله که کردستان در محاصره اقتصادی قرار گرفته ، در نتیجه این محاصره اقتصادی دهقانان کردستان سوخت کافی برای بکار انداختن موتورهای آب و تراکتورهایشان ندارند. برای سوخت بخاری و گرم کردن منازل هم سوخت به اندازه کافی نیست در نتیجه جنگلهای کردستان و باغهای کردستان قسمت عمده اش قطع شده برای اینکه بخاری که باچوب ، با هیزم کار میکنه این بخاریارو راه بندازند و از طرف دیگه بیماران و مجروحین دوا و درمان اینا ندارند، برای کودکان خردسالی که شیرمیخورند، شیر نیست به اندازه کافی . وضع آواره های کردستان بسیار بده ، عده ای از مردم مجبور شدند شهرهارو که تحت کنترل رژیم هست جا بگذارند و به مناطق آزاد شده بیان اونجا مسلما میدونین زندگیشون بیشتر بهتر از از دیگران نیست چون این محاصره اقتصادی در مناطق آزاد شده بسیار شدید تر است از شهرها و سایر مناطق.

می پرسیم منظور از مناطق آزاد شده چیست ؟

*مناطق آزاد شده به اون مناطقی میگیم که تحت کنترل نیروهای پیشمرگ هستند اونجا نیروهای رژیم در اونجا قدرتی ندارند.

اداره امور این مناطق فرض کنید پست و تلگراف یا مدارس، فرهنگ اینها به دست چه کسانی است ؟

*البته این مناطقی که در دست پیشمرگا هست چون هیچکدوم از شهرها نیستند در نتیجه پست و تلگراف نداره، منتها مسائل آموزشی ، مدارس و غیره و مسائل درمانی البته تا اونجائیکه در توان پیشمرگا هست این توسط خود پیشمرگا و نیروهای انقلابی اونجا عمل میشه .

و بالاخره از نماینده شیخ عزالدین می پرسیم که شیخ عزالدین در باره مسائل کردستان و ایران بطور کلی چه نظری داره؟

• ماموستا شیخ عزالدین حسینی يك اعلامیه ی صادر کردند بعنوان ، یعنی خطاب به همه انقلابیون ایران به اسم پیام و پیشنهاد ایشان که من اینو در اروپا منتشر کردم و

ایشون يك نظری میندازند به وضع گذشته، سه سال گذشته در كردستان و ایران و اینطور نتیجه میگیرند که هیچ راهی برای رژیم باقی نمانده جز اختناق بیشتر، فشار بیشتر و کشتار بیشتر مردم. البته این نکته رو ایشون ذکر کردند که مردم كردستان مردمی صلح طلب بودند و همیشه خواهان این بودند که مسئله كردستان بلکه از راه صلح حل بشه ولی متأسفانه جواب پیامهای صلح آمیز همیشه بمب و خمپاره و گلوله و قتل و عام بوده. و ایشون نتیجه میگیرند که در نتیجه برای مردم ایران و جمله برای خلق کرد هیچ راهی باقی نمونده جز سرنگون کردن رژیم جمهوری اسلامی و برقرار کردن يك جمهوری دمکراتیک در ایران که درون انشالله مردم بتونند در دمکراسی و يك آزادی واقعی زندگی بکنند.

• با تشکر از دکتر قاسملو ، محسن صالحی و دکتر شفیعی برنامه را به پایان میرسانیم

این مصاحبه آنطوری که از دید خوانندگان گذشت دوباره تایپ شده امیدوارم اشکالات تایپی نداشته باشد -
آرشیو - ابراهیم قزاق

توضیح احمد اسکندری در مورد مصاحبه بی بی سی با دکتر عبدالرحمن قاسملو، دکتر جعفر شفیعی و نماینده شیخ عزالدین حسینی:

این مصاحبه روز جمعه ۳۰ بهمن ۱۳۶۰ برابر با ۱۹ فوریه ۱۹۸۲ پخش شد. من در لندن بودم و زنده یاران دکتر قاسملو و دکتر جعفر شفیعی در پاریس بودند. خانم شاداب وجدی تهیه کننده برنامه تلاش زیادی کرد که هر سه نفر را دور یک میز گرد آورده و بصورت میزگرد برنامه پخش شود. متأسفانه دکتر قاسملو حاضر نشدند. با توجه به محتوای صحبتهایشان در مورد کومهله و نیز از آنجایی که در بخشی از صحبتهایشان با بی بی سی (که پخش نشد) گفته بودند که شیخ عزالدین دیگر نفوذی در كردستان ندارد، ناچار خانم وجدی با آنان که در پاریس بودند بطور جداگانه تلفنی و با من در استودیو در لندن صحبت کردند. متن پیاده شده در واقع آن بخش از گفتگوهاست که پخش شده است.

من در آن زمان بعنوان نماینده ماموستا شیخ عزالدین حسینی سفری به اروپا و خاورمیانه کرده بودم و بنا به دلایل خانوادگی و امنیتی با نام مستعار محسن صالحی خود را معرفی میکردم. در عین حال در تمام طول سفر یادداشتهای روزانه داشتم که خوشبختانه بخشی از آن بعد از اینهمه نقل و انتقال و آوارگی سالم ماند و توانستم بعدها با خودم به اروپا بیاورم. من یادداشتهایم را به زبان کردی مینوشتم.

در پایین بخشی از ترجمه فارسی عین نوشته‌ام از روز جمعه سی‌ام بهمن ۱۳۶۰ را بدون هیچ تغییری در متن مینویسم:

جمعه سی‌ام بهمن‌ماه ۱۳۶۰

. . . به یکی از دوستان در پاریس زنگ زدم. خبرهای تازه‌ای رسیده است: رژیم مجدداً در کردستان عده‌ای را اعدام کرده است. همچنین در گرگان هم چند دختر را اعدام کرده‌اند و قبل از اعدام کردن به آنها تجاوز کرده‌اند؛ اینرا خانواده این دخترها پس از تحویل جنازه عزیزانشان و هنگام شستوی جسد‌ها از روی نوشته‌های روی ران آنها دریافته‌اند. حاکم شرع بیشتر مانه گفته است که چیز مهمی نیست، اینها جزو غنائم جنگی بوده‌اند! . . .

. . .

بعد از ظهر به بخش فارسی بی بی سی مراجعه کردم تا برنامه را گوش دهم؛ در همه‌ی اطافها بلندگوهای تعبیه کرده‌اند طوری که پخش مستقیم برنامه را به آسانی میتوان شنید. با آقای لطفعلی خنجی نشستیم و برنامه را گوش کردیم. برنامه در مجموع بد نبود. اینکه ۲۰ دقیقه برنامه در مورد کردستان پخش بشود البته کم نیست. اما من در مورد خودم در برنامه انتقاد داشتم. و اینرا فوراً به آنها گفتم. اولاً چرا صحبت‌های من را در آخر پخش کردند. ثانیاً چرا بخش زیادی از صحبت‌های من را سانسور کرده بودند. خانم شاداب وجدی تقریباً هر دو انتقاد را قبول کرد و گفت درست است. بنظرم میرسد که دستی در کار بوده‌است تا عمداً برنامه را به این ترتیب به پیش ببرند . . . بهر حال از صحبت‌های خودم راضی نبودم. خیلی مایل هستم بدانم که انعکاس آن در کردستان چگونه بوده‌است و ماموستا و دوستان در دفتر ایشان چه نظری دارند . . .

(استکهلم، خردادماه ۱۳۹۱، ژوئن ۲۰۱۲)